

دومین همایش بین المللی مدیریت و فرهنگ توسعه

جایگاه مدیریت تفکر در فرهنگ جامعه

نویسنده مسئول: مهرداد گلستان

گروه حقوق، واحد میمه، دانشگاه آزاد اسلامی، میمه، ایران

trade_lawyer@yahoo.com

چکیده

ایثار و شهادت، مفاهیمی ارزشمند در همه ی جوامع بشری هستند. همه ی ملت ها به فداکاران، جانبازان و سلحشوران خود به دیده احترام می نگرند؛ لیکن شیوه های این تقدس گرایی و احترام متفاوت است. درآموزه های اسلامی، جوهره فرهنگ ایثار و شهادت از خودگذشتگی، اخلاص و آزادمنشی هوشمندانه و هدفمند است. ترویج و اشاعه ی فرهنگ ایثار و شهادت، آثار بسیار مثبت اخلاقی، اعتقادی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی را در بر دارد. در این نوشتار، پاسخ به سؤالاتی مهم می نماید از جمله: جایگاه تفکر در قرآن چیست؟ چه نوع تفکری می تواند بستر تاقه را در ایجاد فرهنگ شهادت ایجاد کند و رویکرد و دستور قرآن به جامعه عمل پوشیدن این مهم چیست؟ چه عواملی می تواند فرهنگ شهادت را بسط دهد و آثار جامعه شناختی آن چگونه است؟ پاسخ به این پرسش ها ما را بر آن داشت تا با اتخاذ رویکرد تحقیقی در سایه مطالعات علمی، پاسخ سؤالات فوق را محرز نماییم و نهایتاً رویکرد جدیدی را به ارائه دستاوردها در مسیر فرهنگ شهادت ابراز نماییم.

کلید واژه: قرآن، تفکر، فرهنگ شهادت، جامعه

Position of Thought Management in Society's Culture

Mehrdad Golestan

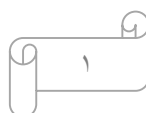
Department Of Law, Meymeh Branch, Islamic Azad University, Meymeh, Iran

trade_lawyer@yahoo.com

Abstract

Sacrifice and martyrdom are valuable concepts in all human societies. All nations respect their sacrificers, veterans and warriors. But the methods of this venerability and respect may vary. In Islamic teachings, the essence of the culture of sacrifice, martyrdom, sincerity and bounty is intellectual and purposeful. Promoting the culture of sacrifice and martyrdom has very positive effects including moral, religious, political, economic and cultural effects. In this article, we aim to find answers to questions including: what is the place of thought in Quran? What kind of thinking can make a perfect platform for creating the culture of martyrdom and what is the approach and order of Quran in realizing this important issue? What factors can develop the culture of martyrdom and what are its sociological effects like? Trying to answer these questions, we may arrive through a research approach in the shadow of scientific researches and we could attain to a new approach in the culture of martyrdom.

Keywords: Quran, Thought, Culture of Martyrdom, Society



دومین همایش بین المللی مدیریت و فرهنگ توسعه

مقدمه

یکی از مواهب ارزشمندی که خالق هستی به انسانها ارزانی داشته، قدرت تفکر است. تفکر فصل ممیز انسان از حیوانهای دیگر است و به او این امان را می دهد که با استفاده از ابزارها و مقدمات لازم، به شناخت خود و واقعیت های هستی بپردازد، باورهای خود را رقم بزند، رفتارها و سلوک این جهانی خود را بر اساس آن سامان دهد و سیر تکاملی خود را بر آن بنیاد نهد. بی گمان قرآن کریم که نسخه کامل و بی بدیل هدایت آدمیان به قله های کمال و سعادت است، نمی تواند از توجه جدی به این ویژگی مهم انسان بگذرد. با بررسی آیات وحی این حقیقت به دست می آید که قرآن، افزون بر آنکه مردم را به تفکر فرا می خواند و اهمیت آن را در زندگی انسان متذکر می شود، مسیر، منابع، لغزشگاهها و نتایج تفکر صحیح را نیز به آنها معرفی می کند.

بر این اساس، قرآن کریم یک نظام معین و منطقی را در باب تفکر ارائه می دهد که هر کدام از اجزای آن در جای خود قرار گرفته، از آغاز، انجام و سیر مشخصی تبعیت می کند. این نظام در نگاه قرآن، مجال وسیع و پژوهشی فراگیر می طلبد که از حوصله این نوشتار خارج است. لکن اهتمام به جایگاه این مهم در تفصیل شناسی فرهنگ شهادت ابعاد مهمی را در جهان بینی و گستره ی تفکری اسلامی بر ما مترتب می کند، که احراز آن می تواند دریچه ای جدید به عالم علم و مبادی اسلامی ایجاد و بسط نماید.

دومین همایش بین المللی مدیریت و فرهنگ توسعه

(۱) مفهوم شناسی تفکر

(۱.۱) تفکر در لغت

«تفکر» مصدر ثلاثی مزید از ماده «ف ک ر» است. ابن منظور در بیان معنای لغوی آن می گوید: «الفکرُ والفِکرُ: إعمال الخاطر فی الشئی؛ فِکر یا فِکر، به کار گرفتن فکر در موضوع معینی است». (ابن منظور، ۱۹۹۶: ماده فکر) جوهری، تفکر را به تامل و اندیشیدن معنا کرده است. فیروز آبادی نیز در بیان معنای لغوی فکر، عبارتی مشابه عبارت ابن منظور به کار برده، می گوید: «الفِکر بالكسر و یُفْتَحُ: إعمال النَّظَرِ فی الشئی». فرید وجدی هم فکر را اندیشیدن و کوشیدن در به کار گرفتن ذهن در موضوعی معین، دانسته است. راغب اصفهانی در بیان معنای فکر می گوید:

فکر قوه ای است که علم را به سوی معلوم رهنمون می شود و تفکر، به حرکت درآوردن این قوه بر اساس نظر عقل است که فقط برای انسان، امکان پذیر است نه حیوان. تفکر فقط در چیزی به کار می رود که تصویر کردن آن در قلب، ممکن باشد؛ به همین خاطر روایت شده است که: «تَفَكَّرُوا فِي آلاءِ اللَّهِ وَ لَا تَفَكَّرُوا فِي اللَّهِ» زیرا خداوند از اینکه در قالب صورتی توصیف شود منزّه است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ماده فکر)

در جمع بندی گفتار لغت شناسان درباره «تفکر» می توان گفت، تفکر تلاشی روشمند در به کار گرفتن قوه اندیشه در موضوع معینی به منظور نیل به شناختی از آن موضوع است که تصویر پردازی آن در ذهن، امکان پذیر باشد.

(۲.۱) تفکر در اصطلاح

ابن سینا در ضمن تعریف منطق به وسیله ای برای در امان ماندن فکر از خطا و لغزش، در بیان معنای فکر می گوید: و اعنی بالفکرها هنا ما یکون عند اجماع الانسان ان ینتقل عن امور حاضرة فی ذهنه- متصوره او مصدق بها تصدیقاً علمياً او ضمیاً او وضعاً او تسلیماً- الی امور غیر حاضرة فیه؛ مراد از فکر در اینجا (منطق) حرکت انسان از امور حاضر در ذهنش «چه تصورات و چه تصدیقات، خواه یقینی باشند یا ظنی و خواه وضعی باشند یا تسلیمی» به امور غیر حاضر است. آنگاه که عزم چنین حرکتی را داشته باشد.

ملا هادی سبزواری در تقسیم تصور و تصدیق به بدیهی و نظری و بیان اینکه نظری از طریق بدیهی و به وسیله فکر حاصل می شود چنین می گوید:

کل ضروری و کسبی و ذا
و الفکر حرکت الی المبادی
من الضروري بفکر اخذا
و من مبادی الی المراد

هر یک از تصور و تصدیق، بدیهی و نظری می باشند و تصور و تصدیق نظری از تصور و تصدیق بدیهی و با فکر بدست می آیند. فکر هم حرکت ذهن از مجهول به مقدمات پیشین و از آن ها به سوی مطلوب است.

- مرحوم مظفر هم در بیان کوتاهی، فکر را به «حرکت العقل بین المعلوم و المجهول» تعریف می کند. (مظفر، ۱۳۹۱: ۲۳)
- وی در توضیح این تعریف، با برشمردن سه حرکت بر عقل، فکر را مجموع حرکات سه گانه دانسته است که عبارتند از:
۱. حرکت از مشکل به معلومات پیشین.
 ۲. حرکت عقل در معلومات به منظور جستجوی آنچه می تواند مشکل را حل کند.
 ۳. حرکت از معلومات به سوی مشکل برای حل آن. (مظفر، ۱۳۹۱: ۲۴)

دومین همایش بین المللی مدیریت و فرهنگ توسعه

۳.۱) تفکر در قرآن

مشتقات واژه فکر در هجده آیه از آیات قرآن به کار رفته است. همه موارد استعمال این واژه در قرآن، از ابواب ثلاثی مزید است که در یک مورد (سوره مدثر، آیه ۱۸) در قالب فعل ماضی باب تفعیل (فکّر) و در بقیه موارد، در قالب فعل مضارع از باب تَفَعَّل استعمال شده، که بیشترین کاربرد آن هم در صیغه جمع مذکر غایب آن (یتفکرون) است. کاربرد مصدری این ماده در آیات قرآن دیده نمی‌شود.

با بررسی این آیات به دست می‌آید که واژه فکر و مشتقات آن، هم در سوره‌های مکی و هم در سوره‌های مدنی قرآن به کار رفته است، گرچه موارد استعمال آن در سوره‌های مکی، بیش از سوره‌های مدنی است.

۲) مفهوم شناسی فرهنگ

۱.۲) فرهنگ در لغت

دکتر محمد معین در بیان لغوی از واژه فرهنگ آن را به پنج معنا تخصیص داده است: ۱. ادب(نفس)، تربیت. ۲. دانش، علم، معرفت. ۳. مجموعه آداب و رسوم. ۴. مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم. ۵. کتابی که شامل لغات یک یا چند زبان و شرح آن‌هاست. (معین، ۱۳۸۷؛ ۷۶۷)

دکتر حسن عمید فرهنگ را در بیان ذیل احراز می‌نماید: ۱. علم، دانش، ادب، معرفت، تعلیم و تربیت. ۲. آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت. ۳. کتاب لغت، کتابی که شامل لغات یک زبان و شرح آن‌ها باشد. (عمید، ۱۳۶۹؛ ۹۵۳)

به طور کلی می‌توان فرهنگ را در لغت، واژه‌ای فارسی، مرکب از دو جز «فر» و «هنگ» بیان نمود. «فر» به معنای شکوه و عظمت و اگر به عنوان پیشوند به کار رود به معنای جلوه، بالا، پیش و بیرون است.

«هنگ» از ریشه اوستایی سنگ به معنای کشیدن، سنگینی و وقار است. واژه مرکب «فرهنگ» به معنای بیرون کشیدن، بالا کشیدن و برکشیدن و مجموعه آداب و رسوم و علم و معرفت است.

۲.۲) فرهنگ در اصطلاح

اصطلاح فرهنگ دارای معانی و مفاهیم متنوع است و در سیر تاریخی خود، معانی مختلفی را به خود گرفته است از جمله، ادب، تربیت، دانش، معرفت، مجموعه آداب و رسوم و آثار علمی و ادبی یک ملت، کتاب لغت، نیکویی، پرورش بزرگی، فضیلت، شکوه مندی، هنر، حکمت، شاخ درختی که زیر زمین خوابانند و بر آن خاک ریزند، و نیز تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، مکتب و ایدئولوژی.

به دیگر سخن، فرهنگ، از جمله کلی‌ترین و فراگیرترین مفهومی که در علوم اجتماعی بوده که تعریف‌های متعددی از آن ارائه شده است.

در اصطلاح علوم اجتماعی گفته شده است: فرهنگ یعنی علم و ادب، آداب و سنن، امور متداوله در میان هر قوم و ملت «اعم از علوم، رسوم، آداب و سنن» که احاد مردم آن قوم به دریافت و عمل به آن‌ها پایبند بودند. (معین، ۱۳۸۷؛ ۷۶۷) و یا فرهنگ عبارت است از مجموعه علوم، دانش‌ها، هنرها، افکار و عقاید، اخلاقیات، مقررات و قوانین، آداب و رسوم.

استاد محمد تقی جعفری در کتاب «فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو» پس از بررسی تعریف‌های فرهنگ از دیدگاه بیست و چهار کتاب لغت و دایرة المعارف مشهور در بین اقوام و زبان‌های مهم جهان می‌نویسد:

«تحقیق در تعریف فرهنگ از دیدگاه مشهورترین دایرة المعارف‌ها و بعضی منابع جامعه‌شناسی، بیش‌تر برای اثبات این حقیقت است که نشان دهیم وجود تکامل انسانی در معنای حقیقی «فرهنگ» در میان جوامع به عنوان کیفیت یا شیوه بایسته و

دومین همایش بین المللی مدیریت و فرهنگ توسعه

شایستهٔ حیات بشری، تضمین شده است و اگر عده‌ای از خود خواهان، سودگران یا پوچ گرایان بخواهند فرهنگ را تا حد یک بهشت پدیده‌های مبتذل تنزل دهند و نام آن را فرهنگ بگذارند، مبتنی بر حقیقت نبوده و ریشه‌ای ضد انسانی دارد، اما آنچه موجب بروز تعاریف متعدده شده است تنوع دیدگاه محققان و صاحب نظران در تفسیر مفهوم فرهنگ با امعان نظر در اصل تکاملی آن بوده است.»

ایشان نمونه‌هایی را در زبان فارسی، برای تعریف لغوی «فرهنگ» ذکر نموده و سپس از زبان فرانسه هم مثالی را آورده، آن گاه فرهنگ را چنین تعریف می‌کند:

فرهنگ عبارت است از کیفیت یا شیوهٔ بایسته و شایسته برای آن دسته از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌ها که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعید شدهٔ آنان در «حیات معقول» تکاملی باشد.

گروهی از جامعه‌شناسان عقیده دارند «فرهنگ» تفکر جمعی جامعه است که در پدیده‌ها و رفتارهای اجتماعی تجلی می‌یابد و تمامی امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، مادی و معنوی را متأثر می‌سازد.

۳.۲ فرهنگ در قرآن

در قرآن کریم، از فرهنگ به مفهوم مصطلح آن تعبیری یافت نمی‌شود، ولی به طور کلی قرآن کریم از فرهنگ در یک جا به عنوان زبان قوم یاد کرده است، چون قرآن کریم نخست در محیط جزیره العرب نازل شده و با مردمی سر و کار داشته که دارای اعتقادات و رفتاری خاص بوده اند: «و ما أرسلنا من رسول إلا بلسان قومه لیبین لهم؛ ما پیامبران را نفرستادیم، مگر با زبان قوم خودشان سخن بگویند» (سوره ابراهیم آیه ۴) در جای دیگر از فرهنگ به عنوان حکم جاهلیت یاد کرده و در آیات بسیاری به اعتقادات و فرهنگ رایج عصر خود حمله می‌کند: «أفحکم الجهلیه یبعون و من أحسن من الله حکما لقوم یوقنون؛ آیا حکم جاهلیت را می‌جوئید؟ برای گروهی که باور دارند، حکم چه کسی از حکم خدا بهتر است؟» (سوره مائده آیه ۵۰) همچنین از فرهنگ به عنوان سنن یاد کرده و در آیات بسیاری سنت گذشتگان و آداب و رسوم آن‌ها را یادآوری کرده است: «قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عقبه المکذبین؛ پیش از شما، سنت‌هایی وجود داشت: (و هر قوم، طبق اعمال و صفات خود، سرنوشت‌هایی داشتند: که شما نیز همانند آن را دارید) پس بر روی زمین، گردش کنید و ببینید سرانجام کار تکذیب کنندگان (آیات خدا) چگونه بود؟» (سوره آل عمران آیه ۱۳۷)

اما یک پرسش مطرح است اینکه فرهنگ یک جامعه اسلامی از دیدگاه قرآن، چگونه باید باشد و قرآن با فرهنگ موجود زمان نزول و سایر فرهنگ‌ها، چگونه برخورد کرده است؟ فرهنگ‌های غیر الهی به سان فرهنگ عرب زمان نزول قرآن، گسیخته‌ای از حق و باطل اند، حق از آن جهت که از ادیان الهی متأثر بوده‌اند و باطل از آن جهت که آن فرهنگ الهی با خرافات و علایق مغایر با خواست شرایع الهی، مخلوط شده است. قرآن کریم ضمن ارائه فرهنگی فراگیر و پایه دار، با فرهنگ موجود و به طور کلی فرهنگ‌های بشری برخوردی متناسب داشت، بدین ترتیب که عناصر حق را تأیید کرده و عناصر باطل را به نقد کشیده، برای آن‌ها چنانچه لازم بوده جایگزینی مناسب ارائه کرده است. عناصر فرهنگ ساز قرآنی در آیات بسیاری به تصویر کشیده شده و نمونه‌های عینی آن نیز گاه ارائه شده است. برای مثال: ترویج مسؤولیت پذیری و دفاع از کیان جامعه اسلامی، فرهنگ جهاد و شهادت، عدالت محوری در گستره‌های فردی و اجتماعی، اطاعت پذیری از مسؤولان مورد تأیید حاکم شرع، توجه به فضایل اخلاقی و نهادینه کردن آن و انذار از رذایل اخلاقی و بسیاری دیگر.

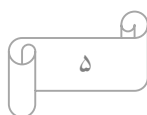
۳ شهادت

۱.۳ واژه شهادت

از ریشه «شَهِدَ» به معنای حضور، مشاهده، معاینه ی ادراک، گواهی و خبر قاطع است. (فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ...

سوره بقره آیه ۱۸۵) (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۳ ص ۲۴۳)

شهادت به کسی گفته می‌شود که ناظر و شاهد بر اشیاء است. به عبارت دیگر شهید کسی است که شخصی یا چیزی را مشاهده می‌کند و هم برای کسی یا چیزی و هم علیه آن شهادت می‌دهد. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵ ص ۲۶۸)



دومین همایش بین المللی مدیریت و فرهنگ توسعه

و به عبارتی دیگر؛ شهید کسی است که در گواهی دادن امین است. در این معنا بیشتر به صورت مشاهده استفاده می‌شود، شهید کسی است که در راه خدا کشته شده است. (الحسینی الزبیدی، ۱۳۸۵، ج ۸ ص ۲۶۱)
در برخی از آیات قرآن کریم، کلمه شهید یعنی «کشته شده ی در راه خدا» است مانند:
"و من يطع الله و الرسول فأولئك مع الذين أنعم الله عليهم من النبيين و الصديقين و الشهداء و الصالحين و حسن أولئك رفيقاً" (نساء/۶۹)

بنابراین معنای واژه ی شهید، از معنای کشته شده ی در راه خدا فراتر می‌رود و هر کسی که به مقام شهود حقیقت می‌رسد و به یگانگی و حقانیت خداوند شهادت می‌دهد. شهید است اگر چه در جهاد کشته نشود و با مرگ طبیعی از دنیا برود (کرمانی، ۱۳۸۱ ص ۱۲)

۲.۳ شهادت در قرآن و احادیث

شهادت فنا شدن انسان برای نیل به سرچشمه نور و نزدیک شدن به هستی مطلق است. شهادت عشق به وصال محبوب و معشوق در زیباترین شکل است. شهادت مرگی از راه کشته شدن است، که شهید آگاهانه و بخاطر هدف مقدس و به تعبیر قرآن ((فی سبیل الله)) انتخاب می‌کند. یعنی شهید در راهی کشته می‌شود که هر دو ارزش آگاهانه و فی سبیل الله را داراست و چنین مرگی است که به تعبیر پیامبر(ص) (شریفترین و بالاترین نوع مردن است (أشرف الموت قتل الشهداء) و علی(ع) آن را گرامی ترین نوع مردن می‌داند. (أكرم الموت القتل))

شهید در لغت به معنی ((گواه)) است و در اصطلاح به کسی گویند که در مجرای شهادت قرار گرفته و در راه خدا کشته می‌شود شهادت نوعی از مرگ نیست بلکه صفتی از ((حیات معقول)) است. زیرا حیات معمولی که متأسفانه اکثریت انسان‌ها را اداره می‌کند، همواره خود و ادامه بی پایان خود را می‌خواهد، لیکن در حیات معقول فرد آن زندگی پاک از آلودگی‌ها که خود را در یک مجموعه بزرگی به نام جهان هستی در مسیر تکاملی می‌بیند که پایش منطقه جاذبه الهی است. لذا شهید همواره زنده است و حیات و ممت او همواره صفتی است برای حیات طیبه و به مصداق آیه شریفه قرآن که می‌فرماید: «و لا تحسبن الذين قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون: و گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شده‌اند، مردگانی هستند، بلکه آنان زنده و در بارگاه پروردگارشان بهره مندند.» (سوره آل عمران آیه ۱۹۶)

شهید همواره زنده است و مرگ او در واقع انتقال از حیات جاری در سطح طبیعت به حیات پشت پرده آن می‌باشد.

و یا در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ((و لا تقولوا لمن يقتل فی سبیل الله اموات بل احياء و لكن لا تشعرون)) که در این آیه نیز به زنده بودن شهید اشاره نموده است.

در قرآن مجید، حدود ده آیه به صورت صریح درباره کسانی که در راه خدا کشته شده باشند وجود دارد. از جمله مسائلی که در این آیات به آن اشاره شده است عبارت است از زنده بودن شهید، رزق شهید، آموزش گناهان شهید، ضایع نشدن عمل شهید، مسرت و خوشحالی شهید، وارد شدن در رحمت الهی و رستگاری شهید. در این نوشتار کوتاه اشاره‌ای به آن‌ها خواهیم داشت.

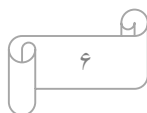
۱.۲.۳ آیات شهادت

ولا تقولوا لمن يقتل فی سبیل الله اموات بل احياء و لكن لا تشعرون

ترجمه: آنان را که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده می‌خوانید آن‌ها زنده‌اند و شما در نمی‌یابید.

والذين قتلوا فی سبیل الله فلن یضل اعمالهم

ترجمه: و آنان که در راه خدا کشته شدند اعمالشان را باطل نمی‌کند.



دومین همایش بین المللی مدیریت و فرهنگ توسعه

سیهیدیههم و یصلح بالهم

ترجمه: زود است که هدایتشان کند و کارهایشان را به صلاح آورد.

وید خلهم الجنة عرفها لهم

ترجمه: و به بهشتی که بر ایشان وصف کرده است داخلشان سازد. (سوره محمد (ص) آیات ۵، ۴، ۶)

ان الله اشترى من المومنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون وعداً علیہ حقا فی التوریه و الانجیل و القرآن و من او فی بعهدہ من الله فاستبشروا ببعکم الذی با یعتم به و ذلک هم الفوز العظیم (سوره توبه آیه ۱۱۱)

ترجمه: خدا از مومنان جانها و مالهایشان را خرید، تا بهشت از آنان باشد در راه خدا جنگ می کنند چه بکشند چه کشته شوند وعده ای که خدا در تورات و انجیل و قرآن داده است به حقه عهده اوست و چه کسی بهتر از خدا به عهد خود وفا خواهد کرد بدین خرید و فروش که کرده اید شاد باشید که کام یابی بزرگ است.

من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیہ فممنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلاً (سوره احزاب آیه ۲۳)

ترجمه: از مومنان مردانی هستند که به پیمانی که با خدا بسته بودند وفا کردند بعضی بر سر پیمان خویش جان باختند و بعضی چشم به راهند و هیچ پیمان خود دگرگون نکرده اند.

تومنون بالله و رسوله و تجاهدون فی سبیل الله بالموالکم و انفسکم ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون (سوره صف آیه ۱۱)

ترجمه: به خدا و پیامبرش ایمان بیاورید و در راه خدا با جان و مال خویش جهاد کنید و این برای شما بهتر است اگر دانا باشید.

یستبشرون بنعمه من الله و فضل و ان الله لا یضییع اجر المومنین (سوره آل عمران آیه ۱۷۱)

ترجمه: آنان (شهدا) را مژده نعمت و فضل خدا می دهند و خدا پاداش مومنان را تباه نمی کند.

فرحین بما اتاهم الله من فضله و یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الا خوف علیهم و لا هم یحزنون (سوره آل عمران آیه ۱۷۰)

ترجمه: از فضیلتی که خدا نصیبشان کرده است شادمانند و به آنها که در پی شان هستند و هنوز به آنها نپیوسته اند بشارت می دهند که بیمی بر آنها نیست و اندوهگین نشوند.

والذین هاجروا فی سبیل الله ثم قتلوا اوماتوا لیرزقنهم رزقاً حسناً و ان الله لهو خیر الرازقین (سوره حج آیه ۵۸)

ترجمه: و کسانی که در راه خدا جهاد کردند یا مهاجرت کردند سپس کشته شدند یا خود مردند خدا به رزقی نیکو روزی می دهد زیرا خدا بهترین روزی دهندگان است.

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله اوماتوا بل احياء عند ربهم یرزقون (سوره آل عمران آیه ۱۶۹)

ترجمه: کسانی را که در راه خدا کشته شده اند مرده مپندار، بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان به ایشان روزی می دهند.

دومین همایش بین المللی مدیریت و فرهنگ توسعه

۳.۳ حیات شهید

یکی از ویژگی‌هایی که قرآن شریف برای شهیدان ذکر کرده است، مساله حیات و زنده بودن آنها است. حال باید بدانیم که منظور قرآن از این حیات چه نوع حیاتی است؟ و مقصود قرآن چیست؟ آیا منظور از حیات، حیات مادی است؟ یا این حیات مخصوص به روح و روان شهید است؟ آیا این حیات به جسم شهید هم مربوط می‌شود یا خیر؟ و دهها سوال دیگر که باید مورد بررسی قرار گیرد و به آنها پاسخ داده شود.

حیات در لغت به معنای ((زنده بودن)) آمده است. و در اصطلاح از دیدگاه‌های مختلف تعاریفی از آن ارائه گردیده است.

اما مراد از حیات شهیدان که خداوند در قرآن فرموده چیست؟

در ذیل آیه ۱۵۴ سوره بقره تحت عنوان ((وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُمُوتَ بَلْ أحيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ)) که به زنده بودن شهیدان اشاره کرده و اقوال مختلفی از طرف مفسرین ارائه گردیده است.

برخی گفته‌اند که منظور این است که شهیدان بزودی در قیامت زنده خواهند شد. برخی نیز گفته‌اند که : کشته شدگان در راه خدا، دارای هدایت و ایمان و دین صحیح هستند، نمرده‌اند و زنده هستند. برخی دیگر گفته‌اند: مقصود این است که، چون از شهیدان، نام نیک در این دنیا باقی مانده است زنده می‌باشند. مفسرین دیگر نیز اقوال دیگری را آورده‌اند که هر کدام به نوعی بیان کننده حیات شهیدان می‌باشد و همه این اقوال به زنده بودن آرمان و اهداف شهیدان در جامعه باور دارند.

۴.۳ رزق و روزی شهید

خداوند در قرآن کریم در سوره آل عمران در آیات ۱۶۹ تا ۱۷۱ می‌فرماید:

و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون، فرحين بما آتاهم من فضله و يستبشرون بالذين ...

در این آیات خداوند بعد از اینکه می‌فرماید شهیدان را مرده مپندارید اشاره می‌کند به اینکه شهیدان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند(عند ربهم يرزقون) که در این قسمت از آیه به ارتزاق شهیدان اشاره شده است. لذا اگر نوعی حیات مجازی برای شهیدان فرض نمائیم با ارتزاق منافات دارد پس باید حیات را حقیقی در نظر گرفت. زیرا ارتزاق از ویژگی‌های موجود زنده و حقیقی است و چون خداوند درباره شهیدان گفته است که نزد پروردگارشان، ارتزاق می‌کنند لذا شهید نمی‌تواند زنده حقیقی نباشد .

در این آیات، سپس خداوند می‌فرماید : شهدا به خاطر آنچه که خداوند از فضل خود به آنها ارزانی نموده است خوشحال و شادمانند ، و در تفسیر مجمع البیان آمده است که این خوشحالی به خاطر نعمت‌های بهشتی است که خداوند نصیبشان نموده است.

و برخی نیز گفته‌اند این خوشحالی بخاطر رسیدن آنها به مقام حقیقی ولایت و عبودیت است.

در ادامه آیات آمده است که : شهدا به آن مومنانی که هنوز به آنها نپیوسته‌اند و بعد در پی آنها به راه آخرت خواهند شتافت مژده و بشارت می‌دهند که از مردن نترسید و از خوف از دست دادن متاع دنیا غم مخورید . و آنها را به فضل و نعمت خدا بشارت می‌دهند و این که خداوند اجر اهل ایمان را ضایع نمی‌کند .

دومین همایش بین المللی مدیریت و فرهنگ توسعه

بنابراین شهدا به واسطه نعمت‌های خدادادی مسرور و خوشحالند و می‌خواهند این خوشحالی را با دیگران که به آن‌ها ملحق می‌شوند تکمیل نمایند و مایلند که به آن‌ها بشارت داده شود که ترس و اندوهی به خود راه ندهند.

در تفسیر مجمع البیان برای این موضوع سه دلیل ذکر نموده‌اند:

۱. شهدا از وضع برادران مومن خود که در دنیا زنده‌اند و در راه خدا به جهاد مشغول هستند اظهار سرور می‌نمایند.
 ۲. قول دوم این است که نامه‌ای به شهیدان ارائه می‌شود که در آن اسامی برادران ایمانی آن‌ها، که به درجه شهادت نایل و به آن‌ها ملحق خواهند شد، ثبت است و شهیدان با دیدن این اسامی خوشحال خواهند شد.
 ۳. مراد از ((لم یلحقوا بهم)) مومنانی هستند که در فضل و مقام به آن‌ها نرسیده‌اند ولی به واسطه ایمان، مقامی عظیم دارند.
- در همین رابطه حدیثی از پیامبر (ص) نقل گردیده است که بی‌مناسبت نیست آن را ذکر نماییم و آن این که:
- از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که شهید دارای سه خصلت است:

عند اول قطرة من دمه یکفر عنه کل خط ویری مقعده فی الجنة، و یزوج من الحور العین، و یومن من الفزع الاکبر و من عذاب القبر، و یحلی حلی الایمان

یعنی با ریختن اولین قطره خون شهید همه خطاها و گناهانش بخشیده و نادیده گرفته می‌شود و دیگر این که جایگاه خود را در بهشت می‌بیند و از همسران بهشتی اختیار می‌کند و هم چنین از فزع اکبر (گریه و زاری) و عذاب قبر در امان است و از لباس‌های بهشتی بر او می‌پوشانند.

این حدیث و امثال آن دال بر جاودانگی و جایگاه رفیع و حیات حقیقی شهیدان دارد.

در حدیث دیگری از پیامبر (ص) نقل شده است که رسول اکرم (ص) در روز احد بالای سر ((مصعب بن عمیر)) ایستاد و برای او دعا کرد و سپس گفت:

ان رسول الله یشهد ان هؤلاء شهداء عند الله یوم القیام فاتوهم زورهم و سلمو علیهم فوالذی نفسی بیده ، لا یسلم علیهم احد الی یوم القیامه ، الا ردوا علیه ، یرزقون من ثار الجن ووتح

یعنی رسول خدا گواهی می‌دهد که شهدا شاهدان من نزد خدا در روز قیامت هستند. بیایید و ایشان را زیارت کنید، بر اینان سلام کنید، که سوگند به آن که جانم در دست اوست، هیچ کس نباشد که بر آن‌ها سلام کند الا اینکه جوابش را می‌دهند. و آن‌ها از میوه‌های بهشتی و هدایای آن روزی داده می‌شوند.

این حدیث نیز دلالت بر زنده بودن شهدا دارد و نیز دلالت بر لزوم زیارت آنان دارد.

در آیه دیگری از قرآن کریم نیز به روزی شهدا اشاره شده است آن جا که می‌فرماید:

والذین هاجروا فی سبیل الله ثم قتلوا او ماتوا لیرزقنهم الله رزقا حسنا وان الله لهو خیر الرازقین لیدخلنهم مدخلا یرضونه. (سوره حج آیه ۵۸ و ۵۹)

دومین همایش بین المللی مدیریت و فرهنگ توسعه

یعنی آنان که در راه رضای خدا، از وطن هجرت نمودند و در راه دین خدا کشته شدند و یا مرگشان فرا رسید، البته خداوند، رزق و روزی نیکوئی در بهشت ابد نصیبشان می گرداند که همانا خداوند بهترین روزی دهندگان است. خداوند به آنان در بهشت منزلی عنایت کند که بسیار به آن راضی و خوشنود باشند.

در این آیه پس از این که از رزق و روزی شهدا با نام رزق حسن و نیکو یاد می کند جایگاه آنان را در بهشت معرفی و آنرا مقام رضوان و رفیع می داند. حقیقت رزق شهدا در جهان دیگر بر ما پوشیده است لیکن می دانیم که رزق آنها از جانب خداست.

۵.۳) آمرزش گناهان شهید

در قرآن کریم درباره بخشش گناهان شهید چنین آمده است.

فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَاخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَاُوْدُوا فِي سَبِيلِي وَاَقْتُلُوا وَاُقْتَلُوا لَا كَفْرًا لَكُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ مِنْ اَلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ اَنْفُسِهِمْ فَتُجْرَتُهُمْ جُنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَاَللّٰهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الثَّوَابِ (سوره آل عمران آیه ۱۵۹)

آنان که از وطن خود هجرت کردند و از دیار خود بیرون رانده شدند و در راه خدا رنج کشیدند، جهاد کردند و کشته شدند، همانا بدی های آنان را می پوشانیم و آنان را به بهشت هایی که از زیر درختان آن نهرهای آب، جاری و روان است، داخل می کنیم و این پاداشی است از جانب خدا و پاداشی که از جانب خدا باشد نیکوست. در این آیه اشاره شد که خداوند همه بدی های کشته شدگان در راه خدا را نادیده می گیرد و بعلاوه از جانب خود به آنان نیکوترین پاداش را عطا می کند.

در همین رابطه احادیثی نیز ذکر شده است که به برخی از آن ها اشاره می نمائیم.

قال النبی(ص): فاذا ودّعهم اهلهم بکت علیهم الحیتان و البیوت، تخرجون من ذنوبهم کما تخرج الحیة من سلخها.

یعنی چون رزمندگان با اهل و خانواده خود خداحافظی کنند، ماهی ها و خانه ها، بر آن ها می گریند و از گناهان خود خارج می شوند، همانگونه که مار، از پوست خود خارج می شود.

در حدیث دیگری که قبلاً ذکر شد و پیامبر شش خصلت را برای شهیدان ذکر نمودند اولین خصلت این بود که: اولین قطره خونی که از شهید بر زمین ریخته می شود گناهانش بخشیده و آمرزیده می گردد. که این لفظ در احادیث دیگری هم تکرار شده است.

امام صادق(ع) نیز در روایتی می فرماید: من قتل فی سبیل الله لم یعرفه الله من سیئاته

یعنی کسی که در راه خدا به شهادت نائل شود، هیچ یک از گناهان و بدی هایش به او ارائه نخواهد شد یعنی از همه آن ها چشم پوشی خواهد شد .

و در تفسیر آیه ان لا خوف علیهم و لا هم یحزنون (سوره آل عمران آیه ۱۷۰)

نیز آورده اند که به شهیدان بشارت می دهند که از گناهان گذشته خوفی نداشته باشند. زیرا خداوند گناهانشان را با شهادت پاک می سازد.

و در حدیثی دیگر از پیامبر(ص) سوال شد که چرا شهید مورد آزمایش و سوال واقع نمی شود؟ پیامبر(ص) فرمود زیرا شهید در زیر برق شمشیر آزمایش خود را به پایان رسانده است.

۶.۳) پاداش عمل شهید

دومین همایش بین المللی مدیریت و فرهنگ توسعه

خداوند در چند مورد به پاداش بزرگ و ضایع نشدن عمل شهید در قرآن اشاره فرموده است. از جمله:

و الذین قتلوا فی سبیل الله فلن یضلّ اعمالهم سیهدیهم و یصلح بالهم و یدخلهم الجنّة عرفها لهم. (سوره محمد آیه ۴-۶)

یعنی کسانی که در راه خدا کشته شدند، خداوند هرگز اعمالشان را ضایع نگرداند و آنان را به سعادت هدایت کند و امورشان را اصلاح نماید و به بهشتی که قبلاً مقامات آن را به آنها شناسانده است، واردشان می سازد .

و جالب است که خداوند قبل از این قسمت از آیه می فرماید: اگر خدا می خواست، از کفار انتقام می کشید و همه را بدون زحمت جنگ شما، هلاک می کرد، این برای آزمایش خلق نسبت به یکدیگر است . (سوره محمد آیه ۴)

در آیه ای دیگر می فرماید:

و من یقاتل فی سبیل الله فیقتل او یغلب فسوف نؤتیه اجرأ عظیماً . (سوره نساء آیه ۱۷۴)

یعنی کسی که در راه خدا جهاد کند، و در راه خدا شهید گردد، یا پیروز شود، پاداش بزرگی به او عطا خواهیم کرد.

از آیات ذکر شده چنین برداشت می گردد که خداوند خود ضایع نشدن عمل شهید را تضمین کرده است و این گونه نیست که اگر به ظاهر در جهاد شکست خورده باشند خون آنها ضایع شده باشد. بلکه در هر حال پیروز می شوند.

در آیه دیگری خداوند پیروزی یا شکست رزمندگان و شهید شدن یا نشدن آنها را یکی از دو نیکی قلمداد می نماید.

قل هل تربصون بنا الا احدی الحسنیین و نحن نتربص بکم ان یصیبکم الله ... (سوره توبه آیه ۱۵۲)

یعنی بگو آیا دربار ما جز یکی از دو نیکی را انتظار دارید. یا به شهادت می رسیم و یا پیروز می شویم. در هر حال خداوند خون شهید را تضمین کرده و آن را هدر نمی داند.

در زمان پیامبر(ص) نیز منافقین می گفتند اگر مومنین نزد ما بودند و به جنگ نمی رفتند، نمی مردند و کشته نمی شدند، و خداوند در جواب آنها فرمود: که این آرزوهای باطل را حسرت دل آنها خواهد کرد و خداست که زنده می کند و یا می میراند در هر وقت که بخواهد.

لو کانوا عندنا ما ماتوا و ما قتلوا لیجعل الله ذلک حسره فی قلوبهم والله یحیی و یمیت. (سوره آل عمران آیه ۱۵۶)

در هر حال خداوند خون شهیدان را پاداشی نیکو که همانا دخول در بهشت است عطا خواهد فرمود.

و یدخلهم الجنّة عرفها لهم (سوره محمد آیه ۴)

و در آن مقام به رحمت الهی نائل و به سوی خدا در بهشت خواهند بود.

لئن ممّ او قتلتم لالی الله تحشرون . (سوره آل عمران آیه ۱۵۸)

در بیان مقام و درجات عالی شهدا و فضیلت شهادت و اجر عمل آنها احادیث فراوانی از ائمه معصومین نقل شده است که این مبحث را با ذکر ترجمه یک حدیث از پیامبر(ص) به پایان می رسانیم.

رسول گرامی اسلام فرمودند:

نیروهای رزمنده هنگامی که تصمیم به شرکت در جنگ می گیرند، خداوند مصونیت آنها را از آتش تضمین می کند. و چون آماده جنگ شوند، فرشتگان به وجود آنها افتخار می کنند. هنگامی که با خانواده خود وداع می کنند ماهی ها و خانه ها گریه می کنند و از گناهان خود خارج می شوند همان گونه که ما از پوست خود خارج می شود. خداوند چهار هزار فرشته را بر آنها می گمارد تا از جلو و پشت سر آنها را محافظت نمایند.

دومین همایش بین المللی مدیریت و فرهنگ توسعه

کار نیکی انجام نمی‌دهند مگر اینکه مضاعف شود. در مقابل هر روز در جبهه ثوابی برابر عبادت هزار مرد عابد ... برای ایشان می‌نویسند. چون با دشمن روبه رو می‌شوند قلم همه اهل دنیا از درک ثواب آن‌ها عاجز است. و چون به مبارزه با دشمن می‌ایستند و تیرها را آماده نشانه رفتن به دشمن می‌کنند و با یکدیگر درآویزند فرشتگان بال‌های خود را بر سر آن‌ها می‌گسترانند و برای پیروزی و ثابت قدمی آن‌ها دعا می‌کنند. هنگام ضرب و زخم، همسر بهشتی و نعمت‌های الهی بر او فرود می‌آید. مرحبا به روح پاکی که از بدنی پاک و مطهر خارج شد، بشارت باد بر تو کرامت‌ها و نعمت‌هایی که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده است و بر قلب هیچ کسی خطور نکرده است.

۷.۳ فرهنگ شهادت

فرهنگ ایثار و شهادت، مجموعه دستاوردهای نظری و فکری است که قابلیت اکتساب داشته و بر اساس موازین الهی و از طریق همسان کردن رفتارها و ارزش‌ها و هنجارها در جامعه موجب انسجام یک جامعه ولایی می‌شود و نیز به سبب نوع نگرش، بستری از کمال و حرکت به سوی قرب الهی را برای افراد مهیا می‌سازد. این امر، جامعه ولایی را از جوامع دیگر متمایز می‌سازد؛ به تعبیر دیگر فرهنگ ایثار و شهادت ارزش‌هایی را مطرح و نهادینه می‌سازد که در آن افراد یک جامعه به منظور تحقق خواست‌ها و اهداف الهی خود بر اساس ارزش‌های الهی حاضر به جان فشانی و حضور در صحنه‌های مجاهده می‌شوند. دوران هشت سال دفاع مقدس، به عنوان نقطه عطفی در نمایاندن توان، شجاعت و استعداد بی نظیر جوانمردان و غیرتمندان ایران زمین به شمار می‌رود؛ در این دوران جامعه توانست با اتکال بر آموزه‌های دینی در این آزمون الهی، پیروزمند ظاهر شود. دستاوردهای دیرین تاریخ، مبین این واقعیت است که ایثار و شهادت به عنوان کارآمدترین عنصر فرهنگی در تأثیر بر فرآیندها و پدیده‌های اجتماعی تلقی می‌شود. اعتلای فکری و معنوی جامعه منوط به مؤلفه‌هایی است که در ساختار جامعه، ترسیم وجهت یابی می‌شوند و در راستای این هدف، تأثیر فرهنگ ایثار و شهادت بر حرکت و پویایی، آزادی و آزادگی، تعهد و مسئولیت و حتی ارزش‌های ملی و مذهبی بسیار بارز و برجسته است.

هدف از ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، فروزان نگه داشتن این چراغ‌های بخش، برای هر زمانی است که دشمنان خیره سر، قصد و آهنگ نابودی دین و ایمان و تعرض به میهن و ناموس نمایند؛ و لیکن لازمه‌ی تحقق این هدف مهم، ترویج و گسترش سیره و روش زندگی‌های بخش شهدا و ایثارگران است. چنانچه واقعیت‌ویزی درونی و ظاهری فرهنگ ایثار و شهادت با شیوه‌هایی اثر بخش برای عامه مردم به ویژه نسل جوان به تصویر کشیده شود و در عمق وجود آنانی که، ایثار و شهادت را تجربه نکرده‌اند، ریشه دواند، می‌توان شاهد الگوپذیری هرچه بیشتر از این گنجینه گران مایه بود.

۴) تطبیق فرهنگ شهادت و جایگاه تفکر

۱.۴) تفکر و فرهنگ شهادت در منظر قرآن

در تبیین جایگاه نخبگان یا متفکران در ایجاد فرهنگ شهادت ابتدا قسمتی از جملات حضرت سیدالشهدا (ع) را که در خطاب به نخبگان و عالمان دین ایراد نموده‌اند را بیان می‌کنیم و سپس ابعاد مختلف این مسئله را از دیدگاه قرآن بررسی می‌نمائیم.

حضرت فرمودند: «شما گروهی که به نخبگان مشهورید و عالمان دین خوانده می‌شوید، به خاطر خداست که در نزد مردم هیبت دارید و بزرگان و ضعفا از شما حساب می‌برند، احترامتان می‌گذارند و شما را بر خودشان ترجیح می‌دهند. در حالی که هیچ فضیلتی بر آن‌ها ندارید و هیچ خدمتی به مردم نکرده‌اید. مردم برای شما احترام می‌گذارند و شفاعت شما را می‌پذیرند. شما به نام دین است که اعتبار و نفوذ کلمه دارید. و با هیبت و کبکبه رفتار می‌کنید. به راستی چگونه به این اعتبار و احترام اجتماعی رسیده‌اید. فقط به این علت که مردم از شما توقع دارند که به حق خدا قیام کنید. اما شما در اغلب موارد از انجام وظیفه و احقاق حق الهی کوتاهی کرده‌اید و حق رهبران الهی را کوچک شمرده‌اید...»

دومین همایش بین المللی مدیریت و فرهنگ توسعه

حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) در این سخنان جایگاه تفکر و نخبگان و عالمان دین را در جامعه بیان نموده‌اند که فعل این گروه می‌تواند در تحقق و ایجاد فرهنگ شهادت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد.

فرهنگ شهادت در منصف ظهور، تفکری قرآنی را به بسط خویش وام دار است. چرا که تا نمادینه شدن و ارزشمند شدن این فرهنگ، توسل و تمسک به همراهی روح حاکم بر جامعه امری اجتناب ناپذیر است. قرآن کریم به همین سبب دو اصل را در سایه تفکری که می‌تواند بستر تامه را در ایجاد فرهنگ شهادت ایجاد کند معرفی می‌کند:

۱.۱.۴ اصل تمسک به حبل الله

قرآن کریم در سوره آل عمران آیه ۱۰۳ میفرماید: **وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ**

۱.۱.۱.۴ ترجمه

همگان دست در ریسمان خدا زنید و پراکنده نشوید و از نعمتی که خدا بر، شما ارزانی داشته است یاد کنید: آن هنگام که دشمن یکدیگر بودید و او دل‌هایتان را به هم مهربان ساخت و به لطف او برادر شدید و بر لبه پرتگاهی از آتش بودید، خدا شما را از آن برهانید خدا آیات خود را برای شما این چنین بیان می‌کند، شاید هدایت یابید.

ترجمه فولادوند

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آن گاه که دشمنان (یکدیگر) بودید، پس میان دل‌های شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید. این گونه، خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند، باشد که شما راه یابید.

ترجمه مجتبی‌وی

و همگی به ریسمان خدای- توحید، دین و کتاب خدا- چنگ زنید و پراکنده نشوید، و نعمت خدای را بر خود یاد کنید آنگاه که با یکدیگر دشمن بودید پس میان دل‌های شما همدمی و پیوند داد تا به نعمت وی- اسلام و الفت- با هم برادر گشتید، و بر لبه پرتگاهی از آتش بودید پس شما را از آن رهانید. خدا این چنین آیات خود را برای شما روشن بیان می‌کند تا مگر راه یابید.

ترجمه مشکینی

و همگی به ریسمان خدا (به دین و کتاب و آورندگان وحی) چنگ زنید و پراکنده نشوید، و نعمت خدا را درباره خود به یاد آرید آن گاه که با هم دشمن بودید پس میان دل‌های شما الفت افکند، پس به نعمت او برادر یکدیگر شدید. و شما بر لب گودالی از آتش بودید پس شما را از آن برهانید. خداوند این چنین نشانه‌های (توحید و قدرت و حکمت) خود را برای شما روشن می‌کند شاید هدایت یابید.

۲.۱.۱.۴ شان نزول

در دوران جاهلیت دو قبیله بزرگ در مدینه به نام "اوس" و "خزرج" وجود داشتند که بیش از یکصد سال! جنگ و خون‌ریزی و اختلاف در میان آن دو جریان داشت، و هر چند وقت ناگهان به جان یکدیگر می‌افتادند و خسارات جانی و مالی فراوانی به یکدیگر وارد می‌کردند. یکی از موفقیت‌های بزرگ پیامبر (صلی الله علیه و آله) پس از هجرت به مدینه، این بود که به وسیله اسلام صلح و صفا در میان آن دو ایجاد کرد، و با اتحاد آن‌ها، جبهه نیرومندی در مدینه به وجود آمد. اما از آنجا که ریشه‌های اختلاف فوق العاده زیاد و نیرومند و اتحاد تازه و جوان بود، گاه بیگاه، بر اثر عواملی، اختلافات فراموش شده شعله‌ور می‌شد، که بزودی در پرتو تعلیمات اسلام و تدبیر پیامبر (صلی الله علیه و آله) خاموش می‌گشت. می‌گویند: روزی دو نفر از قبیله

دومین همایش بین المللی مدیریت و فرهنگ توسعه

"اوس" و "خزرج" به نام "ثعلبه بن غنم" و "اسعد بن زراره" در برابر یکدیگر قرار گرفتند، و هر کدام افتخاراتی را که بعد از اسلام نصیب قبیله او شده بود برمی شمرد. ثعلبه گفت: خزیمه بن ثابت (ذو الشهادتین) و حنظله (غسیل الملائکه) که هر کدام از افتخارات مسلمانانند، از ما هستند، و همچنین عاصم بن ثابت، و سعد بن معاذ از ما می باشند. در برابر او "اسعد بن زراره" که از طایفه خزرج بود گفت: چهار نفر از قبیله ما در راه نشر و تعلیم قرآن خدمت بزرگی انجام دادند: ابی بن کعب، و معاذ بن جبل، و زید بن ثابت، و ابو زید، به علاوه "سعد بن عباد" رئیس و خطیب مردم مدینه از ما است. کم کم کار بجای باریک کشید، و قبیله دو طرف از جریان آگاه شدند، و دست به اسلحه کرده، در برابر یکدیگر قرار گرفتند، بیم آن می رفت که بار دیگر آتش جنگ بین آن ها شعله ور گردد و زمین از خون آن ها رنگین شود! خبر به پیامبر رسید، حضرت فوراً به محل حادثه آمد، و با بیان و تدبیر خاص خود به آن وضع خطرناک پایان داد، و صلح و صفا را در میان آن ها برقرار نمود. این آیات در اینجا نازل گردید و به صورت یک حکم عمومی همه مسلمانان را با بیان مؤثر و مؤکدی دعوت به اتحاد نمود.

۳.۱.۱.۴ تفسیر نور

۱.۳.۱.۱.۴ نکته ها

حضرت علی علیه السلام می فرماید: قرآن، حبل الله است. و از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «نحن حبل الله» ما اهل بیت، حبل الله هستیم. و در روایت دیگری آمده است: علی بن ابی طالب علیهما السلام حبل الله است. تألیف دل ها تنها به دست خداست. «فألف بين قلوبكم» قرآن خطاب به پیامبر می فرماید: «لو أنفقت ما فی الارض جمیعاً ما آلفت بین قلوبهم» «اگر همه ی سرمایه های زمین را خرج کنی نمی توانی بدون خواست او بین دل ها ایجاد الفت نمایی.» (سوره انفال آیه ۶۳)

۲.۱.۴ اصل ولایت

قرآن کریم در سوره مائده آیه ۵۵ می فرماید: **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَکِعُونَ**

۱.۲.۱.۴ ترجمه

جز این نیست که دوست شما خداست و رسول او و مؤمنانی که نماز می خوانند و همچنان که در رکوع اند انفاق می کنند.

ترجمه فولادوند

ولی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند: همان کسانی که نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند.

ترجمه مجتبوی

همانا دوست و سرپرست شما خداست و پیامبرش و کسانی که ایمان آورده اند، آنان که نماز را برپا می دارند و زکات می دهند در حالی که در رکوع اند.

ترجمه مشکینی

جز این نیست که سرپرست و ولی امر شما خدا و فرستاده اوست و کسانی که ایمان آورده اند، آن ها که نماز را برپا می دارند و در حالی که در رکوع اند زکات می دهند. (مصدق منحصر به فرد این عموم طبق روایات فریقین علی علیه السلام و بخشیدن انگشتی او در حال رکوع است)

دومین همایش بین المللی مدیریت و فرهنگ توسعه

ترجمه بهرام پور

ولی و سرپرست شما تنها خدا و رسول اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند همان‌ها که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند (علی علیه السلام)

۲.۲.۱.۴) شان نزول

از "عبد الله بن عباس" چنین نقل شده: که روزی در کنار چاه زمزم نشسته بود و برای مردم از قول پیامبر (صلی الله علیه و آله) حدیث نقل می‌کرد، ناگهان مردی که عمامه‌ای بر سر داشت و صورت خود را پوشانیده بود نزدیک آمد و هر مرتبه که ابن عباس از پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله) حدیث نقل میکرد او نیز با جمله "قال رسول الله" حدیث دیگری از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل می‌نمود. ابن عباس او را قسم داد تا خود را معرفی کند، او صورت خود را گشود و صدا زد ای مردم! هر کس مرا نمی‌شناسد بداند من ابوذر غفاری هستم با این گوش‌های خودم از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم، و اگر دروغ می‌گویم هر دو گوشم کر باد، و با این چشمان خود این جریان را دیدم و اگر دروغ می‌گویم هر دو کور باد، که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: "علی قائد البررة و قاتل الکفرة منصور من نصره مخذول من خذله"، علی (علیه السلام) پیشوای نیکان است، و کشنده کافران، هر کس او را یاری کند، خدا یاریش خواهد کرد، و هر کس دست از یاریش بردارد، خدا دست از یاری او برخواهد داشت. سپس ابوذر اضافه کرد: ای مردم روزی از روزها با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در مسجد نماز می‌خواندم، سائلی وارد مسجد شد و از مردم تقاضای کمک کرد، ولی کسی چیزی به او نداد، او دست خود را به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا تو شاهد باش که من در مسجد رسول تو تقاضای کمک کردم ولی کسی جواب مساعد به من نداد، در همین حال علی (علیه السلام) که در حال رکوع بود با انگشت کوچک دست راست خود اشاره کرد. سائل نزدیک آمد و انگشتر را از دست آن حضرت بیرون آورد، پیامبر (صلی الله علیه و آله) که در حال نماز بود این جریان را مشاهده کرد، هنگامی که از نماز فارغ شد، سر به سوی آسمان بلند کرد و چنین گفت: "خداوندا برادرم موسی از تو تقاضا کرد که روح او را وسیع گردانی و کارها را بر او آسان سازی و گره از زبان او بگشایی تا مردم گفتارش را درک کنند، و نیز موسی درخواست کرد هارون را که برادرش بود وزیر و یاورش قرار دهی و بوسیله او نیرویش را زیاد کنی و در کارهایش شریک سازی. خداوندا! من محمد پیامبر و برگزیده توام، سینه مرا گشاده کن و کارها را بر من آسان ساز، از خاندانم علی (علیه السلام) را وزیر من گردان تا به وسیله او، پشتم قوی و محکم گردد." ابوذر می‌گوید: هنوز دعای پیامبر (صلی الله علیه و آله) پایان نیافته بود که جبرئیل نازل شد و به پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفت: بخوان، پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: چه بخوانم، گفت بخوان: "إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا... البتة این شان نزول از طرق مختلف نقل شده که گاهی در جزئیات و خصوصیات مطلب با هم تفاوت‌هایی دارند ولی اساس و عصاره همه یکی است.

۳.۲.۱.۴) تفسیر نور

۱.۳.۲.۱.۴) نکته‌ها

در شأن نزول آیه آمده است: سائلی وارد مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله شد و از مردم درخواست کمک کرد. کسی چیزی به او نداد. حضرت علی علیه السلام در حالی که به نماز مشغول بود، در حال رکوع، انگشتر خود را به سائل بخشید. در تکریم این بخشش، این آیه نازل شد. ماجرای فوق را ده نفر از اصحاب پیامبر مانند ابن عباس، عمار یاسر، جابر بن عبدالله، ابوذر، انس بن مالک، بلال و... نقل کرده‌اند و شیعه و سنی در این شأن نزول، توافق دارند. عمار یاسر می‌گوید: پس از انفاق انگشتر در نماز و نزول آیه بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در غدیر خم، برای بیان مقام حضرت علی علیه السلام این آیه را تلاوت فرمود. و خود علی علیه السلام نیز برای حقانیت خویش، بارها این آیه را می‌خواند. ابوذر که خود شاهد ماجرا بوده است، در مسجد الحرام برای مردم داستان فوق را نقل می‌کرد. کلمه‌ی «ولی» در این آیه، به معنای دوست و یاور نیست، چون دوستی و یاری مربوط به همه مسلمانان است، نه آنان که در

دومین همایش بین المللی مدیریت و فرهنگ توسعه

حال رکوع انفاق می کنند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: منظور از «آذین آمو...»، علی علیه السلام و اولاد او، ائمه علیهم السلام تا روز قیامت هستند. پس هرکس از اولاد او به جایگاه امامت رسید با این ویژگی مثل اوست، آنان صدقه می دهند در حال رکوع. مرحوم فیض کاشانی در کتاب نوادر، حدیثی را نقل می کند که بر اساس آن سایر امامان معصوم نیز در حال نماز و رکوع به فقرا صدقه داده اند که این عمل با جمع بودن کلمات «یقیمون، یؤتون، الراءعون» سازگارتر است. امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند پیامبرش را دستور داد که ولایت علی علیه السلام را مطرح کند و این آیه را نازل کرد. بهترین معرفی آن است که اوصاف و خصوصیات کسی گفته شود و مخاطبان، خودشان مصداق آن را پیدا کنند. (آیه بدون نام بردن از علی علیه السلام، اوصاف و افعال او را بر شمرده است). امام صادق علیه السلام فرمود: علی علیه السلام هزاران شاهد در غدیر خم داشت، ولی نتوانست حق خود را بگیرد، در حالی که اگر یک مسلمان دو شاهد داشته باشد، حق خود را می گیرد. ولایت فقیه در راستای ولایت امام معصوم است. در مقبوله ی عمر بن حنظله از امام صادق علیه السلام می خوانیم: بنگرید به آن کس که حدیث ما را روایت کند و در حلال و حرام ما نظر نماید و احکام ما را بشناسد. پس به حکومت او راضی باشید که من او را بر شما حاکم قرار دادم. «فانی قد جعلته علیکم حاکماً»

تحلیل

با تمسک به حبل الله و توسل به اصل ولایت اتحاد و روح حاکم بر جامعه در مسیر الهی مستدام، و بدین سبب فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه به صورت ارزش، و در نهایت در وجود افراد جامعه درونی می شود. و با وجود چنین فرهنگی افراد با حفظ کیان جامعه می توانند علاوه بر حفظ وحدت و همدلی، همیار و پشتیبان یکدیگر باشند، و جامعه را به سمتی هدایت نمایند که همگی با هم در راستای ایجاد و بستر زمینه سازی لازم و کافی جهت ظهور حضرت حجه ابن الحسن عسکری (ع) گام بردارند.

۲.۴ فرهنگ شهادت و جامعه در منظر قرآن

۱.۲.۴ عوامل رشد

علاوه بر این که در آموزه های دینی تلاش می گردد تا ریشه ها و موانع ایثار و شهادت را خشکانده و به جای آن حب الهی و ایمان و اعتقاد به خدا و روز رستاخیز، جایگزین گردد، عواملی وجود دارند که بستری برای ایثار و از خود گذشتگی فراهم می سازد. این عوامل عمدتاً اعتقادی یا فرهنگی می باشند.

۱.۱.۱.۲.۴

۱.۱.۲.۴ اعتقادی:

اصل قداست عدالت و تنفر از ستم

در تعالیم قرآن و سنت، عدالت امر مقدسی است و ظلم و ستم از امور چیز زشت و ناخوشایند. این آموزه ها و تعالیم به گونه ای است که اگر عدالت (آرمان نهایی همه ی انبیاء) به خطر افتد و ظلم و ستم جایگزین آن شود، احساسات فطری و پاک انسان ها، علیه ظلم و به نفع عدالت برخاسته خواهد شد. برای اثبات مدعا نمونه هایی از این آموزه ها بیان می شود: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند) (سوره حدید آیه ۲۵) از این آیه استفاده می شود که هدف از ارسال پیامبران و انزال کتاب های آسمانی، اقامه عدل و قسط به وسیله ی مردم است. در آیه ی دیگر، خداوند ما را به اجرای عدالت و احسان به بندگان دستور داده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد و از فحشا و منکر و ستم، نهی می کند خداوند به شما اندرز می دهد، شاید متذکر شوید) (سوره نحل آیه ۹۰)

دومین همایش بین المللی مدیریت و فرهنگ توسعه

۲.۱.۱.۲.۴ اصل وجوب دفاع و وجوب جهاد با ظالمان

در نظام پرورشی مبتنی بر فرهنگ اسلام که هدف غایی خلقت انسان، عبادت و نیل به مقام عبودیت (به استناد آیه: وما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ "ذاریات/ ۵۶") است، ایثار و جهاد و شهادت دارای جایگاه رفیع و قابل تأمل است (باقری، ۱۳۶۸ ص ۶۴). جهاد با دشمن، یکی از فروع دین مقدس اسلام است و با فرمان امام واجب می‌شود و زمانی که بلاد مسلمین یا مرزهای آن مورد هجوم قرار گیرد، بر مسلمانان، واجب است که از آن به هر وسیله‌ای که ممکن است با بذل جان و مال خویش دفاع نمایند. این دفاع مشروط به اذن امام معصوم یا نایب خاص و عام او نیست. (خمینی، ۱۳۶۸ ص ۳۲۷) در قرآن مجید بارها فرمان جهاد و مقاتله با دشمن صادر شده است.

۳.۱.۱.۲.۴ اصل ارزش دادن به شهید و شهادت

علاوه بر مطالب ذکر شده که حس ایثار و از خود گذشتگی را در انسان تقویت می‌کند، باور داشتن امور ذیل که در ارزش شهید و شهادت است، انسان را مشتاق کشته شدن در راه خدا می‌سازد و آن را همانند اولیای الهی در دعای خویش از خدا می‌طلبد. چرا که: شهیدان زنده و غرق در نعمت خدایند.

ابن مسعود از پیامبر اکرم نقل می‌کند که خداوند به ارواح شهیدان احد خطاب کرد و از آن‌ها پرسید: چه آرزویی دارید؟ آن‌ها گفتند: پروردگارا! ما بالاتر از این چه آرزویی می‌توانیم داشته باشیم که غرق نعمت‌های جاویدان توایم و در سایه عرش تو مسکن داریم، تنها تقاضای ما این است که بار دیگر به جهان برگردیم و مجدداً در راه تو شهید شویم، خداوند فرمود: فرمان تخلف ناپذیر من این است که کسی دوباره به دنیا بازنگردد، عرض کردند: حالا که چنین است تقاضای ما این است که سلام ما را به پیامبر برسانی و به بازماندگان مان، حال ما را بگویی و از وضع ما به آن‌ها بشارت دهی که هیچ‌گونه نگران نباشند در این هنگام آیات ذیل نازل شد (سیوطی، ۱۴۰۴ ه، ج ۲: ۹۶)

"و لا تحسبنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتاً بلْ أحياءٌ عند ربهم يرزقونَ فَرِحِينَ بما آتاهمُ اللَّهُ من فَضله و يستبشرونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِم من خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ و لا هم يحزنونَ * يستبشرونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ و فَضْلِهِ و أَنَّ اللَّهَ لا يضيع أجرَ الْمُؤْمِنِينَ"

امام علی بن موسی الرضا از امیر مؤمنان علی (ع) چنین نقل می‌کند که هنگامی که حضرت، مشغول خطبه بود و مردم را تشویق به جهاد می‌کرد، جوانی برخاست و عرض کرد: ای امیر مؤمنان! فضیلت جنگ جویان در راه خدا را برای من تشریح کن امام در پاسخ فرمود: من بر مرکب پیغمبر و پشت سر آن حضرت سوار بودم و از غزوه ذات السلاسل بر می‌گشتمیم همین سؤالی را که تو از من نمودی من از پیامبر کردم. پیامبر فرمود: هنگامی که جنگجویان، تصمیم بر شرکت در میدان جهاد می‌گیرند خداوند آزادی از آتش دوزخ را برای آن‌ها مقرر می‌دارد. و هنگامی که سلاح بر می‌دارند و آماده میدان می‌شوند فرشتگان به وجود آن‌ها افتخار می‌کنند و هنگامی که همسر و فرزند و بستگان آن‌ها با آن‌ها خداحافظی می‌کنند، از گناهان خود خارج می‌شوند. از این موقع آن‌ها هیچ کاری نمی‌کنند مگر اینکه پاداش آن، مضاعف می‌گردد و در برابر هر روز پاداش عبادت هزار عابد برای آن‌ها نوشته می‌شود ... و هنگامی که با دشمنان روبرو می‌شوند، مردم جهان، نمی‌توانند میزان ثواب آن‌ها را درک کنند. و هنگامی که گام به میدان برای نبرد بگذارند و نیزه‌ها و تیرها رد و بدل شود، و جنگ تن به تن شروع گردد، فرشتگان با پر و بال خود اطراف آن‌ها را می‌گیرند و از خدا تقاضا می‌کنند که در میدان، ثابت قدم باشند، در این هنگام منادی صدا می‌زند: «الجنة تحت ظلال السیوف» «بهشت در سایه شمشیرها است» در این هنگام ضربات دشمن بر پیکر شهید، ساده‌تر و گوارتر از نوشیدن آب خنک در

دومین همایش بین‌المللی مدیریت و فرهنگ توسعه

روز گرم تابستان است و هنگامی که شهید از مرکب فرو می‌غلطد، هنوز به زمین نرسیده، حوریان بهشتی به استقبال او می‌شتابند و نعمت‌های بزرگ معنوی و مادی که خدا برای او فراهم ساخته است، برای او شرح می‌دهند. و هنگامی که شهید به روی زمین قرار می‌گیرد، زمین می‌گوید: آفرین بر روح پاکیزه‌ای که از بدن پاکیزه پرواز می‌کند، بشارت باد بر تو: «آن‌لک ما لا عین رأّت و لا اذن سمعت و لا خطر علی قلب بشر» (نعمت‌هایی در انتظار تو است که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر قلب هیچ انسانی خطور نکرده است) و خداوند می‌فرماید: من سرپرست بازماندگان اویم، هر کس آن‌ها را خشنود کند مرا خشنود کرده است و هر کس آن‌ها را به خشم آورد مرا به خشم آورده است. (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ج ۵ ص ۱۵۸)

۲.۱.۲.۴ فرهنگی

۱.۲.۱.۲.۴ نمایه سازی وصایای شهدا

وصیت نامه از سنت‌های مؤکد در فرهنگ اسلامی ماست و در جریان دفاع مقدس وصیت نامه‌ها از عرف عادی خارج شده و تغییرات محتوایی یافتند. به طوری که رزمندگان اسلام در وصیت نامه‌های خود به اعتقادات و آرمان‌ها، ارزش‌ها و انگیزه‌های و مسائل مهم اجتماعی و سیاسی و دینی توجه می‌نمودند.

وصیت نامه از جمله آثار به جای مانده از شهدای انقلاب اسلامی است که در نوع خود بی‌نظیر و حاوی اطلاعات بسیار ارزشمندی بوده است. یکی از مسائل بسیار مهمی که در خصوص این آثار باید مورد توجه قرار گیرد مسئله دسترسی و اشاعه اطلاعات آن‌ها در سطح وسیع است که این دسترسی با توجه به انبوه اطلاعات و مدارک جزا طریق نمایه سازی میسر نخواهد بود. نمایه سازی فرآیند تعیین و توصیف محتوایی مدرک در قالب کلید واژه‌های موضوعی متناسب و مرتبط است به نحوی که کلید واژه‌ها بیان‌کننده محتوا و موضوع مدرک باشند. در این فرآیند مفاهیم از مدرک استخراج شده و در قالب عناصر زبان نمایه سازی ارائه گردد.

۲.۲.۱.۲.۴ موزه شهداء

موزه در حقیقت بازتاب کلیه فعالیت‌های انسان از محیط طبیعی و فرهنگی اوست. در همه تمدن‌ها از عقب افتاده ترین تا پیشرفته ترین آن‌ها، اشیاء، مواد، نمونه‌های زیبا، گرانبها، کمیاب و عجیب را جمع آوری می‌نمایند. هم چنین میراث‌های فرهنگی و ذخایر طبیعی در محلی انباشته و جهت استفاده ی عموم مهیا می‌گردند. نقش حیاتی موزه در جوامع بشری، نقشی بدیع، ماندگار و مروج ناب ترین پدیده‌های فرهنگی است. موزه‌ها از معدود مراکز حافظ یادگاران نسل گذشته و در حقیقت فرزندان هنر و تاریخ هستند. هر یک از اشیاء در عین بی‌زبانی به هزار زبان سخن می‌گویند زیرا اسناد معتبری از هنر، فرهنگ و تاریخ را ارائه می‌دهند. خداوند در قرآن درباره‌ی اهمیت زنده نگه داشتن یاد اصحاب کهف چنین می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ أَعْرَضْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْنَا وَهْمَ بِنِيَانًا رَبَّهُمْ عَلَّمَ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا» این چنین مردم را متوجه حال آن‌ها کردیم، تا بدانند که وعده خداوند (در مورد رستاخیز) حق است و در پایان جهان و قیام قیامت شکّی نیست! در آن هنگام که میان خود درباره‌ی کارخویش نزاع داشتند، گروهی می‌گفتند: «بنایی برآنان بسازید (تا برای همیشه از نظر پنهان شوند! واز آنها سخن نگویند) که پروردگارشان از وضع آن‌ها آگاه تر است!» ولی آن‌ها که رازشان آگاهی یافتند (وآن را دلیلی بر رستاخیز دیدند) گفتند: «ما مسجدی در کنار (مدفن) آن‌ها می‌سازیم (تا خاطر آنان فراموش نشود) (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۵ ص ۳۲۳)

یک موزه با مجموعه‌ای که در خود اندوخته است بیش از هر چیز مبین گذشته «دفاع مقدس» است.

آثار به جای مانده از شهدا، آثاری واجد ارزشهای تاریخی و فرهنگی و وجود یک رابطه خویشاوندی و هویتی ما بین هر چیزی با دوره‌ای خاص از تاریخ یک ملت یا تمدن که به نوعی روایت‌گر کیفیت بخشی از آن عهد، چگونگی زندگی، رویدادی خاص، نوعی تفکر و در مجموع، ساختارهای تاریخی و فرهنگی و اجتماعی یک دوران برخوردار کرد. مصداق کلیت‌های فوق در آثار و اشیاء بر جای مانده از ایام انقلاب، سالیان دفاع مقدس و در رأس آن میراث شهداء نیز قابل بحث و بررسی است.

دومین همایش بین المللی مدیریت و فرهنگ توسعه

در واقع هویت و شخصیت این آثار مرهون وابستگی آنان به زمانی است که در آن، مکانی ویژه برای فردی خاص، رویدای منحصر به فرد رخ داده است و آن مفهوم شهادت و یا عروج است. این آثار با توجه به ارزش سندی خود و متصل به اشخاص و مکان‌ها و لحظاتی که بخش مهمی از تاریخ یک ملت رقم زده اند دارای هویت گردیده، از شکل جنس «به یک اثر» تبدیل می‌شود.

شهءاء می‌تواند یکی از گنجینه‌های ارزشمندی باشد تا به وسیله آن به تداوم و استمرار یاد و نام شهیدان پرداخت.

۳.۲.۱.۲.۴ تقویت فعالیت‌های فرهنگی مساجد

مساجد از بدو تأسیس علاوه بر این که جایگاه عبادت و محل ادای فرائض دینی مسلمانان بود، به عنوان یک کانون فراگیر، مرکز تمام فعالیت‌های آموزشی، سیاسی و اجتماعی آنان نیز به شمار می‌آمد. اما هیچ یک از معابد موجود آن زمان از چنین عملکردهایی برخوردار نبود. اسلام بر حضور مسلمانان در مسجد و مشارکت در امور تأکید فراوانی دارد و آیات قرآن و احادیث منقول در دین بیانگر وجود رابطه بین حضور در مسجد و روحیه ایثارگری و شهادت طلبی و گرایش به ارزش‌های اسلامی است. هر امری که خالص و در جهت رضایت و تقرب به خداوند باشد، نوعی عبادت و بندگی محسوب می‌شود. اعتقاد به وحدانیت خداوند و نفی هرگونه شرک موجب تقرب روح به خداوند است. به خاطر همین پیوستگی‌هاست که مسجد محل سجده در برابر خدا محراب خواهد داشت و فرد با سجده در برابر عظمت الهی، به جنگ با شیاطین درونی و بیرونی می‌رود و مسجد، مشهد خونین بهترین بندگان خدا می‌شود. در مسجد، تمام امور عبادی، اعم از، تعلیم دروس قرآنی، و سیاست‌گذاری، تجهیز مجاهدان اسلام، سازماندهی و تدارک جنگ، قضاوت، و... برگزار می‌شود. نماز که از فرایض مسلمانان است، به جماعت برگزار می‌شود. لذا مسجد به وسعت یک مکتب جامع، رسالت جهانی می‌یابد و به مرتبه خانه خدا در روی زمین می‌رسد «ان بیوتی فی الارض المساجد». اما نقش اساسی مسجد که همان ساختن یک انسان ایثارگر و شهادت طلب است که در طول هشت سال دفاع مقدس به خوبی دیده شده است و دشمنان به دنبال انزوا کشیدن این پایگاه بزرگ اجتماعی مسلمانان هستند. طوری که دکتر حیدر علی کرمن، استاد اعظم فراماسونری در نشریه داخلی «محفل وحدت» به اهمیت مسجد و این سدی که در برابر توطئه‌های آن-هاست، اشاره می‌کند: «صدای اذان که از ردیف مسجد بلند می‌شود مگر غیر از صدای الصلوه است که می‌گوید من زنده ام و نمرده‌ام و نخواهم مرد؛ این بانگ تخدیر کننده‌ی افکار و اذهان روشنفکران، برای ما به منزله فریادی است که روشنگری ما را به یاد آوری و اخطار می‌کند».

۴.۲.۱.۲.۴ زنده نگه داشتن فرهنگ عاشورا

مهم ترین عامل در اشاعه و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، توجه به اعتقادات مردم و پروراندن باورهای دینی در آن‌هاست. ارکان اصلی دین ما توحید و معاد می‌باشد و نبوت نیز برای نشان دادن راه تربیت آدمی برای شناخت خدا و رسیدن به مقصد و معاد است. روز عاشورا، روز حماسه، شجاعت، دلاوری، ابتلا و آزمایش بزرگ الهی، روز فداکاری و عزت است. از آن جایی که امام حسین (ع) در قیام عاشورا توانست فرهنگ ایثار و شهادت طلبی را زنده کند و رنگ جاودانه زند که تا قیامت، هر آزادی خواهی با یاد حماسه عاشورا در خط خون و قیام و عزت و اقتدار فریاد می‌زند: *الموت اولی من رکوب العار والعار اولی من دخول النار*

مرگ، بهتر از پذیرفتن ننگ است و شکست ظاهری، بهتر از ورود در آتش است. این فرهنگ نقش به‌سزایی بر روی جوانان ما دارد. چرا که منطق امام زنده ماندن شریعت الهی است. ارزش و اعتبار و عظمت شخصیت امام حسین و نهضت آن بزرگوار، امروزه همه را تحت تأثیر قرار داده، به طوری که بیشتر توجه‌ها و اندیشه‌های حق طلبان و آزادی خواهان را از هر مسلک و عقیده‌های به خود معطوف کرده تا آن جا که مهاتما گاندی از رهبران آزاد اندیش جهان در خصوص اهداف خود برای پیروزی کشور هندوستان می‌گوید: «من زندگی امام حسین آن شهید بزرگ اسلام را به دقت خوانده‌ام و توجه کافی به صفحات کربلا نموده‌ام و بر من روشن است که اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز گردد، بایستی از سرمشق امام حسین پیروی کند» هم چنین اقبال لاهوری استقلال و نجات پاکستان را مرهون قیام عاشورا دانسته است و در این باره چنین سروده است:

دومین همایش بین المللی مدیریت و فرهنگ توسعه

رمز قرآن از حسین آموختیم ***** ز آتش او شعله ها افروختیم

تا قیامت قطع استبداد کرد ***** موج خون او چمن ایجاد کرد

خون او تفسیر این اسرار کرد ***** ملت خوابیده را بیدار کرد (بهشتی، ۱۳۸۲ ص ۳۳)

علائلی از اندیشمندان اهل تسنن در خصوص امتیازات تشیع نسبت به تسنن می گوید: شیعه هر سال خاطره‌ی عاشورا را به منظوره‌ای تربیتی و دینی تجدید می‌کند و این زنده یادی است بسیار مهم و سازنده که با نمایش جانبازی‌های دلاوران کربلا، روح شهامت و فداکاری به انسان‌ها می‌دهد و آن‌ها را برضد قدرت‌های ستمگر بسیج می‌کند، از این رو ما معتقدیم که فقط با آموزش و پیگیری نهضت حسین است که می‌توانیم در راه مبارزه با استعمارگران غرب و شرق و حکومت‌های دست‌نشانده آنان موفق گردیم. (فرحی ۱۳۸۶ ص ۵۳۱)

نتیجه گیری

منظر قرآن بر جایگاه تفکر از چنان جایگاه و ارزشی برخوردار است که بسیاری از آیات سوره‌های مکی و مدنی در همین راستا ایراد شده است. از طرفی قرآن کریم ضمن احراز ابعاد و زوایای شهادت، جایگاه شهید، و فرهنگ مترواش از آن، به ابراز جایگاه شهید و شهادت و فرهنگ شهادت می‌پردازد. همچنین بسط و گسترش فرهنگ شهادت در دیدگان قرآن کریم معلول علتی است که آن را توسل به حبل الله و اصل ولایت ابراز می‌نماید، و در نهایت اصول اعتقادی و فرهنگی را از آثار فرهنگ شهادت در جامعه بیان نموده و بدین سبب عوامل حاکم بر این مهم را ایجاد و آشکار می‌نماید.

منابع

۱. قرآن مجید
۲. دشتی، محمد (۱۳۸۱). نهج البلاغه: قم، انتشارات لاهیجی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرّم (۴۱۴ق). لسان العرب: بیروت، دارالصادر.
۴. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق). روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۵. باقری، خسرو (۱۳۶۸). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی: تهران، دفتر امور کمک آموزشی و کتابخانه‌ها.
۶. بهشتی، ابوالفضل (۱۳۸۲). فلسفه و عوامل جاودانگی نهضت عاشورا: قم، بوستان کتاب.
۷. الحسینی الزبیدی، سید محمد مرتضی (۱۳۸۵). تاج العروس: بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۸. خمینی، روح الله (۱۳۶۸). تحریر الوسیله: مترجم: علی اسلامی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۵). مفردات فی غریب القرآن: مترجم: خسروی حسینی، تهران، انتشارات مرتضوی.
۱۰. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی تفسیر المأثور: قم: انتشارات کتاب خانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۱. عمید، حسن (۱۳۶۹). فرهنگ فارسی عمید: تهران، چاپخانه سپهر.
۱۲. فرحی، سید علی (۱۳۸۶). بررسی و تحقیق پیرامون نهضت حسینی: تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۳. کاشانی، ملّا فتح الله (۱۳۳۶). تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین: تهران، انتشارات کتاب فروشی محمدحسن علمی.
۱۴. کرمانی، طوبی (۱۳۸۱). شهید و شهادت: تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه‌ی معاصر.
۱۵. مظفر، علامه محمد رضا (۱۳۹۱). منطق (۱): مترجم: محمد رضا غروی‌ان، قم، موسسه انتشارات دارالعلم.
۱۶. معین، دکتر محمد (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی معین: تهران، انتشارات فرهنگ نما با همکاری انتشارات کتاب آراد.